

## شخصیت و رشد اجتماعی

برخی رفتارهای اولیه اجتماعی نظیر لبخند زدن، واکنش‌هایی مادرزادند که در تمام نوزادان حتی نوزادان نابینا تقریباً در یک سن پیدا می‌شوند. ولی پیدایش بسیاری از رفتارهای اجتماعی بعدی نظیر مواظب غریبه‌ها بودن یا ناراحت شدن به هنگام جدایی از مراقب اصلی به نظر می‌رسد به **رشد مهارت‌های شناختی** کودک بستگی داشته باشد.

## نظریه ی دلبستگی بالبی

بالبی که پزشک و روانکاو بود، در ابتدا متوجه انواعی از **مشکلات عاطفی** از جمله **ناتوانی در ایجاد ارتباط صمیمانه و طولانی مدت با دیگران** در کودکانی شد که در مؤسسات عمومی بزرگ شده بودند.

او چنین فرض کرد که این کودکان در اوایل زندگی، **فرصت ایجاد یک دلبستگی محکم به مادر** را از دست داده اند.

بالبی با تلفیق رویکردهای **روانکاوی، روابط شیء و کردارشناسی**، نظریه ی دلبستگی خود را بنا نهاد.

## تعریف دلبستگی

دلبستگی به معنای تمایل کودک به برقراری نوعی رابطه‌ی نزدیک با افرادی معین و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد است.

دلبستگی یک گره عاطفی پایدار هیجانی نسبت فردی خاص است که کودک تمایل به جستجو و حفظ نزدیکی با او را دارد.

تغذیه زمینه ساز مهمی برای دلبستگی است اما:

دلبستگی وابسته به تغذیه نیست.



# آزمایش هارلو



هری هارلو در آزمایش خود  
به میمون‌های تازه متولد  
شده اجازه داد بین مادر  
پارچه ای که غذا نمی داد و  
مادر سیمی که غذا می داد  
یکی را انتخاب کنند.

هارلو میمون‌ها را چند ساعت پس از تولد از مادران اصلی‌شان جدا کرد و گذاشت که در کنار این مادران ساختگی «رشد» یابند. آزمایش نشان داد که بچه میمون‌ها زمان بسیار بیشتری را در کنار مادر پارچه‌ای می‌گذراندند تا مادر سیمی. این آزمایش روشن ساخت که **راحتی تماس** در مقایسه با شیردهی و تغذیه از **اهمیت بسیار بیشتری** در رشد واکنش‌های عاطفی برخوردار است.

## چهار اصل کلی نشان دهنده ی رشد دلبستگی

- ۱- نگاه خاص و تمایزیافته به برخی از چهره ها
- ۲- تشخیص قیافه ی افراد آشنا از غریبه ها
- ۳- گرایش به نزدیک شدن به آشناها و دور شدن از غریبه ها



## چگونگی ایجاد دبستگی

زمانی که کودک برای مدت زیادی پاسخی را که از مراقب خود (معمولاً مادر) انتظار دارد دریافت نکند، **اعتماد** کودک به مراقب، **خداشه دار** شده و کودک واکنش های خاص خود را بروز می دهد.

منظور از اعتماد همان **اعتماد بنیادین** است که **اریکسون** در اولین مرحله از مراحل رشد هشت گانه در نظریه روانی-اجتماعی خود مطرح می کند.

# ارزیابی دلبستگی

بر اساس روش **موقعیت نا آشنا (Strange Situation)** که توسط **ماری اینزورث** برای ارزیابی سبک دلبستگی در کودکان ابداع شده، کودکان با توجه به رفتارهایشان به چهار گروه تقسیم می شوند:



❖ دلبسته ی ایمن

❖ دلبسته ی نایمن، اجتنابی

❖ دلبسته ی نایمن، دوسوگرا

❖ دلبسته ی آشفته



## آزمایش موقعیت ناآشنا (Strange Situation)

اینزورث و دانشجویانش ابتدا تعدادی مادر و کودک را در سال اول زندگی، هر سه هفته یک بار به مدت چهار ساعت در خانه ی آنها مورد مشاهده قرار دادند.

بعد از یک سالگی این کودکان، رفتار آنها در یک موقعیت جدید و در واکنش به دو مرحله جدایی مشاهده شد.

در نخستین مرحله ی جدایی کودک با یک فرد غریبه تنها گذاشته می شد. در دومین مرحله، کودک به تنهایی در اتاق می ماند.

# مراحل آزمایش موقعیت ناآشنا

- (۱) مادر، کودک و آزمایشگر با یکدیگر در اتاق قرار می گیرند.
- (۲) مادر و کودک تنها می شوند.
- (۳) یک غریبه به مادر و کودک می پیوندد.
- (۴) مادر اتاق را ترک کرده و کودک و غریبه را با یکدیگر تنها می گذراد.
- (۵) مادر برمی گردد و غریبه اتاق را ترک می کند.
- (۶) مادر اتاق را ترک کرده و کودک کاملاً تنها می شود.
- (۷) غریبه باز می گردد.
- (۸) مادر برمی گردد و غریبه اتاق را ترک می کند.

## کودکان با دلبستگی ایمن

- ❖ کاوش محیط و استفاده از مادر به عنوان پایگاه امن
- ❖ آشفتگی کودک پس از خروج مادر از اتاق
- ❖ استقبال فعالانه از مادر و اقدام به کاوش مجدد پس از بازگشت او

**والدین: حساس و پاسخ دهنده به نیازهای کودک**

## کودکان با دلبستگی ناایمن، اجتنابی

❖ کاوش محیط بدون استفاده از مادر به عنوان پایگاه

امن

❖ عدم پریشانی کودک پس از خروج مادر از اتاق

❖ استقبال نکردن از مادر هنگام بازگشت و اجتناب از او

والدین: بی توجه، بی اعتنا، عیب جو و طرد کننده



## کودکان با دلبستگی ناایمن. دوسوگرا

- ❖ عدم کاوش محیط در حضور مادر و چسبیدن به او
- ❖ آشفتگی بسیار شدید هنگام خروج مادر از اتاق
- ❖ رفتار دوسویه هنگام بازگشت مادر به اتاق (نزدیکی به مادر یا راندن او با خشم به تناوب)

والدین: رفتار متناقض، غیر قابل پیش بینی و غیر  
منصفانه

## کودکان با دلبستگی آشفته

کودکان با دلبستگی آشفته در هیچ یک از سه گروه نامبرده قرار نمی گیرند. این گروه شامل کودکانی است که غالباً رفتارهای متناقض نشان می دهند و دارای بیشترین ناامنی هستند.

والدین: رفتارهای نامتناسب و گیج کننده، هم عامل ترس و هم عامل اطمینان



Step 1 + 2 : Mother and child enter the room.  
Mother sits and the child plays with toys in the room.



Step 3 + 4: Stranger enters and talks to mother before interacting with the child and initiating play.  
Mother then leaves.



Step 5: Mother returns and stranger leaves.



Stage 6: Mother leaves again, leaving child alone.



Stage 7: Stranger returns, interacts with child and offers comfort.



Stage 8: Mother returns and stranger leaves.



# الگوی کارکرد (عامل) درونی Internal Working Models

الگوی کارکرد درونی **انتظارات و احساسات کودک** در  
مورد **پاسخ دهی** نماد دلبستگی او است.  
نتایج تحقیقات نشان داده است که سبک دلبستگی،  
**پیش بین قدرتمندی برای رفتار فرد در روابط آینده**  
است؛ چون تجارب ابتدایی به رشد الگوهای کارکرد  
درونی در کودکان منجر می شوند.



## کودکان با سبک دلبسته ی ایمن در بزرگسالی


احساس رضایت از صمیمت، توصیف روابط  
عاشقانه ی خود بر اساس اعتماد، خشنودی و  
دوستی، دوست داشتنی دانستن خود، رفتار  
حمایت کننده با همسر، دارای راهبردهای حل  
مسئله ی سازنده.

کودکان با سبک دلبسته ی نایمن اجتنابی در بزرگسالی

تأکید بر استقلال، بی اعتمادی به معشوق،  
نگرانی از صمیمیت زیاد با افراد، وجود حسادت،  
فاصله گیری عاطفی و لذت کم از تماس بدنی  
در رابطه ی عشقی

## کودکان با سبک دلبسته ی نایمن دوسوگرا در بزرگسالی

غرق شدن کامل در دیگری و عشق فوری، ترس از دست دادن، به ستوه آوردن دیگران، حسادت، افت وخیزهای عاطفی، نگرانی از پاسخ همسر به محبت خود، نگرانی از افشای اطلاعات نامناسب در مورد خودشان



پاسخ دهی حساسانه و در دسترس بودن مراقب  
در زمان نیاز کودک، تأثیر مهمی بر احساس  
امنیت در دل بستگی دارد. علاوه بر این مزاج یا  
خلق و خوی کودک هم تأثیرگذار است.  
همچنین درصد کودکانی که در طبقات گوناگون  
دل بستگی جا می گیرند، منبعت از تفاوت های  
فرهنگی است.